

جامعه ساساني، احمد تفصلي، ترجمه مهرداد قدرت ديزجي، مركز  
نشر دانشگاهي، تهران 1387 .



استاد فرزانه زنده ياد دكتور احمد تفصلي از برجسته‌ترين  
متخصصان زبان و ادبيات فارسي ميانه بود که به سال 1375 نابهنگام  
درگذشت. يادداشت‌هاي استاد پس از مرگش به همت همکاران  
دانشمندی به صورت چند کتاب منتشر شدند از قبيل کتاب پنجم  
دينکرد<sup>1</sup> نیز قرار است يادداشت‌هاي پهلوي استاد زیر نظر دكتور علي  
اشرف صادقي و دكتور ژاله آموزگار منتشر شود .

کتاب جامعه ساساني که در اصل مجموعه سخنراني‌هاي  
استاد در دانشگاه هاروارد است، يکي از بهترين و جامع‌ترين کتاب‌هايي  
است که تاکنون در باره‌ي طبقات ايران در عصر ساساني نوشته شده  
است. در اين کتاب سه طبقه ايران عصر ساساني: (بخش اول)  
ارتشتاران، (بخش دوم) دبيران و (بخش سوم) دهقانان بررسی شده  
است و دريغ که اجل مهلت پرداختن به طبقه روحانيون را به مؤلف  
دانشمند کتاب نداد. در اين کتاب به بررسی ريشه‌هاي معنایي و  
دلایل وجودي اين طبقات ممتاز اجتماعي، جایگاه، اختيارات، نقش،  
مناسبات و موقعيت اين طبقات را در نظام ساساني، براساس متون و  
منابع دست اول ديني و تاريخي بازگو و بازکوي کرده است و از آنجا که  
ضعف دروني تشکيلات اداري و نظامي ساسانيان همواره يکي از علل  
موفقيت سپاه اسلام در حمله به ايران شمرده شده است اين کتاب به  
درک موقعيت واقعي گردانندگان آن شاهنشاهي در آستانه سقوطشان  
کمک مي‌کند .

در بخش اول بعد از بررسی واژه شناختي واژه ارتشتار به رنگ  
جامه‌ها، جایگاه و وظيفه ارتشتاران پرداخته شده و در ادامه گونه‌هاي  
مختلف نوشتاري واژه سپاه در ساير زبان‌هاي ايراني آورده شده است.  
سپس در قسمت مقامات نظامي، مناصب نظامي بيشتري برپايه  
کتیبه‌هاي ساساني، متون پهلوي و نوشته‌هاي مورخان دوره‌ي  
اسلامي تحليل شده است. تفسيحات سپاه، درجات و فهرست  
القبایي از واژه‌هاي مربوط به جنگ ساير قسمت‌هاي بخش ارتشتاران  
را تشکيل مي‌دهد .

بخش دبيران و کاتبان بعد از بررسی واژه‌شناختي و اشاره به  
مبدعان افسانه‌اي نظام طبقاتي (جمشيد، طهمورث)، اهميت  
سياسي دبيران برپايه کتیبه‌ها، مهرهاي ساساني و... بررسی شده  
است. سپس چهار گروه دبيران شامل نامه نگاران رسمي، محاسبان،  
دبيران امور قضايي و وقایع نگاران همراه با وظايف و ویژگی‌هايشان  
تشریح شده است. دبيران مانوي و چيره دستي آنان و اشاره به  
ناشناخته ماندن دبيران و نیز لقب دبيران در منابع مختلف مطالب  
قسمت آخر (نسخه نويسان) اين بخش را تشکيل مي‌دهد .

در بخش پایاني کتاب (طبقه دهقانان) مانند بخش‌هاي گذشته  
بعد از بررسی واژه شناختي، به خاستگاه و تبار دهقانان و اینکه آنان  
احتمالاً در نتیجه اصلاحات خسرو اول انوشيروان به وجود آمده‌اند،  
پرداخته شده است. در ادامه موقعيت دهقانان در دوره ي اسلامي،  
اهميت فرهنگي آنان بررسی شده است. سپس نقش دهقانان در  
حفظ و پاسداري از فرهنگ ايراني و نیز وفاداري برخي از آنان به آيين  
نياکان خويش (در دوره اسلامي) آمده است. در قسمت آخر بخش  
سوم با عنوان دهقانان و مي به توصيف منابع از دهقانان به عنوان



بهترین تهیه-کنندگان و شناسندگان شراب پرداخته شده است .

این اثر با کتاب نامه و نمایه به پایان می‌رسد .

در اینجا لازم است از مترجم دانشمند کتاب آقای دکتر مهرداد قدرت دیزجی که خود از متخصصان ایران ساسانی می‌باشند به خاطر ترجمه روان و فصیح‌شان سپاسگزاری شود .

اما باید یادآوری نمود که این کتاب قبل از ترجمه مذکور توسط خانم شیرین مختاریان و آقای مهدی باقی ترجمه شده است که ذکر نکاتی چند درباره‌ی ترجمه آنها شاید خالی از فایده نباشد :

**1-چند نکته :** مترجمان محترم در آغاز بخش جنگجویان (Warriors) که سخن درباره‌ی ارتشتار (Artēštār) است، همه جا واژه را به «سپاه» ترجمه کرده‌اند (مثلاً ص 13 تا ص 16)، در صورتی که سپاه (Spāh) عنوان فصل دیگر این بخش است (ص 17 تا ص 19)؛ به عبارت دیگر، مترجمان هر دو اصطلاح ارتشتار و سپاه را به صورت سپاه ترجمه برگردانده‌اند و پی به تفاوت آنها در کتاب نبرده‌اند. معلوم است که هدف نویسنده کتاب تفکیک این دو اصطلاح از یکدیگر بوده، ولی خواننده فارسی این ترجمه این تفکیک را نمی‌یابد (تفکیک اصطلاحات پهلوی در ترجمه دکتر دیزجی رعایت شده است). همین پربشانی در فصل دیگر کتاب (مناصب سپاهی (Military Posts) نیز دیده می‌شود؛ مثلاً در ص 21 «ارتشتاران سالار» را به «سپاه سالار» که واژه‌ای فنی است ترجمه کرده‌اند، ولی خود نویسنده، همان اصطلاح پهلوی را به Chief of the Warriors معنی کرده (P. 9) و از کاربرد «سپاه سالار» پرهیز کرده است .

**2-بی دقتی‌ها :** در سراسر این ترجمه بی‌دقتی‌های فراوانی دیده می‌شود، یکی از نمونه‌های آن تقسیمات دبیران در کتاب بلعمی است که در اصل کتاب به چهار گروه (p.20) ولی در ترجمه به سه گروه (ص39) دیده می‌شود A(r)štād. در ص 40 باید به (ر)شتاد ترجمه می‌شد نه ارشتاد. استاد تفضلی در مواردی با آوردن علامت ستاره در کنار اصطلاحات پهلوی (مثلاً \* kāmgar-angust در p. 29) در واقع گفته‌اند که اصطلاح مزبور در متون موجود دیده نمی‌شود. این موضوع مهم نیز در ترجمه خانم مختاریان و آقای باقی دیده نمی‌شود. درباره‌ی بی‌دقتی‌های این کتاب می‌توان به مشت‌ی از خروار بسنده کرد، مثلاً جای (ص 28) شرو آمده ولی در جای دیگر (ص29) شرو؛ جای (ص 29) کریستن سن و در جای (ص 33) کریستن سن؛ جای (ص 61) لوکونین و در جای (ص 98) لوکونین و ...

**3-اشتباهات در ترجمه :** اشتباهات بسیاری ترجمه خانم شیرین مختاریان و آقای مهدی باقی دیده می‌شود که به این نمونه‌ها می‌توان اکتفا کرد Umayyad: در اصل کتاب (p. 15) باید به اموی ترجمه می‌شد نه «امیه» (ص 26)؛ در ص 42 شهر ترمذ (Termez) در p. 22 به «ترمز» ترجمه شده است؛ در ص 78 «دربار (court)» در p. 53 به دادگاه ترجمه شده که معنی کاملاً گمراه‌کننده‌ای است و نهایتاً این جمله به دست آمده است: «بسیاری از دهقانان در دادگاه‌های خلفا و حکام حضور به هم می‌رساندند» (ص 78).

**4-جملات نامفهوم :** يك نمونه (ص 63)

«یکی از فصول مجمل التواریخ که در مورد عناوین شاهان و

بزرگان ایران پیش از اسلام (عجم) است، معنای دهقان، (رئیس) و  
(خداوند) (ضیاء و املاک) است.»

ترجمه خانم مختاریان و آقای باقی برخلاف ترجمه دکتر دیزجی  
فاقد نمایه است .

در پایان باید گفت :

**«و چه دریغ که احمد تفضلی پایان این کار دانشمندانه‌ی  
خوبش را ندید»**

سالار رضازاده

[salarrezazadeh@yahoo.com](mailto:salarrezazadeh@yahoo.com)

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه ارومیه